





(اعلان تکران)

اعلان

بِخُوبِ اَمْنِازِ وَصِحَّتِ اَنْ تَصَدِّقْ كَرِهَ اَنْدَابِ اَوْفَا
 بَطْبَعِ رَسْبِدِهْ دَرِ مَسْجِدِ مَبْدَانِ دَرِ حُجْرَهْ مَبْرِزَا اَبُو الْقَاسِمِ

محمد خلیل غفر میرزا صاحب کرامت ازاد مجتهد عظیم مغز نماینده ارشد
 برده و شایسته ازاد مجتهد نماینده ارشد منصف و در علوم و معانی
 با کمال علم و ادب و خیرات امور کمال
 در روز چهارشنبه ۱۳۳۵ ش. در شهر تبریز ازاد مجتهد عظیم مغز نماینده ارشد
 میرزا ابوالقاسم در مسجد میدان در حجره میرزا ابوالقاسم
 حقیق و در کتب و امور علمیه و ادبیه

۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی زبان

(۱۲۰۳-۱۴۳۳ ق. / ۱۷۸۲-۲۰۰۱ م.)

بررسی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و تحولات تبلیغات
 تجاری در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۵ ش. و
 شکل‌گیری نخستین آژانس‌های تبلیغاتی

تألیف: محسن میرزایی

پیتا
 انتشارات

ناشر کتاب‌های تخصصی بازاریابی و تبلیغات

۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی
در مطبوعات فارسی زبان
جلد سوم
تألیف: محسن میرزایی

خوشنویسی به نام خداوند خورشید و ماه:
محمد کیانی
طراحی جلد و صفحه‌ها: آتلیه‌ی شرکت سیت
مدیر اجرایی: فیروزه یآوری
ویراستار: آریتا جمشیدنژاداول

صفحه‌آرایی: مجید اسماعیلی
لیتوگرافی: طیف‌نگار
چاپ و صحافی: طیف‌نگار
ناشر: سیت

چاپ نخست: پاییز ۱۳۹۲
۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر محفوظ است.

ISBN: 978-600-5253-49-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۳-۴۹-۸

دورنگار: ۷۷۶۰۳۷۲۲

تلفن: ۷۷۵۰۹۳۳۹

www.citehpub.com

سرشناسه	: میرزایی، محسن، ۱۳۱۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی‌زبان / تألیف: محسن میرزایی؛ ویراستار آزیتا جمشیدنژاد اول.
مشخصات نشر	: تهران: سیته، ۱۳۹۲ -
مشخصات ظاهری	: ج. : مصور نمونه؛ ۲۹×۲۲ س.م.
فروست	: راهکارهای تبلیغاتی و بازاریابی؛ ۴۸، ۴۹
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۳-۴۵-۰ : ج. ۱ ؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۳-۴۶-۷ : ج. ۲ ؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۵۳-۴۹-۸ : ج. ۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).
یادداشت	: کتابنامه.
عنوان گسترده	: دویست و سی سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی زبان.
موضوع	: آگهی‌های تبلیغاتی در روزنامه‌ها -- ایران -- تاریخ
موضوع	: آگهی‌های تبلیغاتی -- ایران -- تاریخ
شناسه افزوده	: جمشیدنژاد اول، آزیتا، ۱۳۶۰ -، ویراستار
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ م۹ الف / HF۶۱۰۵
رده‌بندی دیویی	: ۶۵۹/۱۳۲۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۸۸۷۲۸

فهرست

- ۱ تأملی در مفاهیم ناپیدای آگهی‌های تبلیغاتی
- ۵ اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در دوران بیست‌ساله‌ی حکومت کودتا (۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ ش.).
- ۱۳ نمونه‌هایی از آگهی‌های سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸
- ۹۷ جنگ آغاز شد، امیدها بر باد رفت
- ۱۰۳ بازگانی ایران در سال ۱۳۱۸
- ۱۰۵ نمونه‌هایی از آگهی‌های سال ۱۳۱۹
- ۱۱۴ افتتاح فرستنده‌ی رادیو تهران
- ۱۵۹ ایران در آستانه‌ی جنگ جهانی
- ۱۶۰ تغییرات سیاست اقتصادی ایران دستخوش تغییرات سیاسی بود
- ۱۷۴ اختلاف ایران و انگلیس بر سر میزان استخراج نفت
- ۱۷۶ اهمیت کان‌های نفت ایران
- ۱۷۶ تجدید قرارداد نفت
- ۱۷۷ اظهارات وزیر امور خارجه‌ی روسیه و گله‌ی ایران از دولت اتحاد جماهیر شوروی
- ۱۷۹ پس‌لرزه‌های جنگ به ایران رسید
- ۱۸۷ زمزمه‌های شوم از خاور دور

۱۸۹

نمونه‌هایی از آگهی‌های سال ۱۳۲۰

۱۹۷

سال‌های بی‌خبری

۲۰۰

آغاز گرانی و احتکار

۲۰۶

اطلاعیه‌ی کمیسیون تعدیل نرخ‌ها

۲۰۸

مطبوعات و مسئله‌ی گران‌فروشی

۲۱۰

حادثه‌ی بزرگ

۲۱۲

دوستی مصلحتی

۲۱۳

نخستین حمله‌ی مطبوعات انگلستان به شاه

۲۲۱

روزی که ایران اشغال شد

۲۲۲

رویدادهای ۴ شهریور ۱۳۲۰

۲۲۳

رویدادهای ۵ شهریور ۱۳۲۰

۲۲۳

رویدادهای ۶ شهریور ۱۳۲۰

۲۲۵

رویدادهای ۷ شهریور ۱۳۲۰

۲۲۵

رویدادهای ۸ شهریور ۱۳۲۰

۲۲۷

سال‌های پرآشوب

۲۲۷

سال ۱۳۲۰

۲۲۷

سال ۱۳۲۱

۲۳۰

سال ۱۳۲۲

۲۳۲

سال ۱۳۲۳

۲۳۴

سال ۱۳۲۴

۲۳۶

سال ۱۳۲۵

۲۳۸

اقتصاد ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم

۲۳۹

۱۳۲۵ سال شکل‌گیری تبلیغات تجاری در ایران

۲۳۹

سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴

۲۴۱

مهم‌ترین حوادث سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲

۲۴۱

افشاگری‌های مربوط به قرارداد نفت

۲۴۴

سوءقصد در دانشگاه تهران

۲۴۵

سال ۱۳۲۸

۲۴۵

سال ۱۳۲۹

۲۴۶

سال ۱۳۳۰

۲۴۸

سال ۱۳۳۱

۲۴۹

سال ۱۳۳۲

۲۵۵

یک آلبوم تاریخی

۲۷۵

شکل‌گیری نخستین آژانس‌های تبلیغاتی

۲۸۲

اتوبیوگرافی مدیر فاکوپا

۲۸۲

خاطرات دبیرستان نظام

۲۸۶

آگهی‌ها

۲۸۷

تحول تبلیغات از سال ۱۳۳۵ به بعد

۲۸۸

مؤسسه‌های تبلیغاتی

۲۸۹

تبلیغات خدمات عمومی

۲۸۹

عوامل مساعد و نامساعد در راه رشد تبلیغات تجاری

۳۰۲

اشتراوس پارک

۳۰۸

مجله‌ی آگهی

۳۱۳

راهنمای بازرگانی

۳۲۵

آموزشگاه قهرمان

۳۲۵

سازمان فاکوپا

۳۲۶

مقدمه‌ی مجله‌ی ذره‌ها

۳۲۸

ذره‌ها چگونه منتشر شد؟

۳۴۱

نمونه‌هایی از آگهی‌های سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵

۴۲۱

منابع

تأملی در مفاهیم ناپیدای آگهی‌های تبلیغاتی

اگر به قصد تحقیق، آگهی‌های این دوره را با آگهی‌های مجلد اول این کتاب به ویژه آگهی‌های «عصر ناصری» مقایسه کنیم، به آسانی پی خواهیم برد که در این چند دهه چه دگرگونی‌های چشمگیری در جامعه‌ی ما پدید آمده است.

در سرآغاز این صفحات آگهی‌های کتاب به چشم می‌خورد: آگهی فروش شاهنامه، گلستان سعدی، بوستان سعدی، دیوان حافظ، مثنوی، ویس و رامین، رباعیات خیام، فرهنگ فرانسه به فارسی که خود نشانه‌ی توجه به خارج از مرزهاست و... در حالی که در «عصر ناصری» آگهی فروش کتاب عناوین کاملاً متفاوتی دارد: سرایر، زبدة‌المعارف، معراج‌اللسان، گوهر مراد (در حکمت)، براهین العجم (در مورد زبان فارسی)، انوار ناصریه (در حکمت و طب)، شرح قاموس فارسی (در لغت)، گنجینه‌ی میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله، قراپادین صالحی میرزا، سیدرضی حکیم‌باشی نظام (در مرکبات طبیه)، امراض عصبیه (ترجمه و تألیف میرزا علی دکتر، طبیب حضور همایون)، کتاب امراض مقاربتی (تألیف میرزا محمد دکتر کرمانشاهی، طبیب حضور همایون)، ترجمه‌ی کتاب ژئولوژی (علم طبقات الارض)، کتاب پاتالوژی (امراض باطنی، تألیف میرزا ابوالحسن خان حکیم‌باشی)، سرگذشت خانم هور تست خانم انگلیسی در بلوای هند، سر العالمین (تألیف غزالی).

با تورق صفحات پیش رو به تبلیغ داروها می‌رسیم، به داستان‌های کوتاه برای تبلیغ اثرگذاری داروها که در حد خود یک ابتکار جالب به شمار می‌آید و اعلان آسپیرین که از رواج داروی جدید و فراموش شدن داروهای گیاهی خبر می‌دهد. در صفحات بعدی، تبلیغ مبل و کارخانجات بخاری، نشانه‌ی تغییر شکل زندگی از زمین‌نشینی به مبل‌نشینی است.

در سال ۱۳۱۷ تبلیغات گرامافون، همچنان داغ است و دست‌اندرکاران این تجارت غافل از آن‌اند که با آمدن رادیو، بساط گرامافون برچیده خواهد شد.

اعلان افتتاح تجارتخانه‌ی خسروشاهی در هامبورگ، نشانه‌ای از بسط تجارت خارجی ایران است، آگهی مؤسسه‌ی اتومبیل‌فروشی «هم‌آوند» در فروردین ماه ۱۳۱۷ از یک سو نشانه‌ی به‌کارگیری واژه‌های جدید در نامگذاری است و از سوی دیگر، حرفه‌ای شدن تجارت اتومبیل.

تبلیغ ساعت مچی در اردیبهشت همین سال نشانگر یک تحول تازه است، زیرا پیش از آن ساعت‌ها مردانه و جیبی بودند و اکنون همراه با دیگر دگرگونی‌ها ساعت‌ها مچی و مردانه و زنانه می‌شوند.

در بهار ۱۳۱۷ آگهی‌های رادیو، موتورسیکلت، گرامافون، دوچرخه‌های مردانه، زنانه و دخترانه و دوچرخه‌ی کورسی تحول دیگری است با عوارض جانبی‌اش که اعتراض خانواده‌ها را به دنبال دارد.

در روزنامه‌ی اطلاعات ۱۶ خرداد ۱۳۱۷ آگهی شماره‌گذاری نشریه‌ها و جایزه‌ی روزانه برای خوانندگان، نشانه‌ای است از تلاش مطبوعات کشور جهت به‌دست‌آوردن تیراژ. این آگهی بیانگر این واقعیت است که در آن تاریخ شمارگان کل مطبوعات کشور به قدری کم بود که می‌شد آن‌ها را شماره‌گذاری کرد و روز بعد به قید قرعه، شماره‌ی برنده را اعلام نمود.

آگهی چرخ خیاطی در بهار ۱۳۱۷ نشانه‌ی پدیدآمدن خیاطی‌های سرخانه و مشارکت زنان در تأمین درآمد خانواده‌هاست. در آغاز، چرخ خیاطی در خانه‌ی اعیان و اشراف، جنبه‌ی تفریحی داشت، به تدریج خیاطی سرخانه برای خانم‌های خانه‌نشین، ممر درآمد تازه‌ای شد. همزمان، بانوان نیز به داشتن لباس‌های متعدد علاقه‌مند شدند و به تقلید از پوشش ستارگان زن سینما که کارت پستال آنان از فرنگ به ایران می‌رسید، برای خود لباس می‌دوختند و بدین ترتیب بود که کار خیاطخانه‌های خانگی رونق گرفت و تا چند دهه‌ی بعد که لباس‌های دوخته به بازار آمد، خیاطخانه‌های خانگی نیز دایر بود.

آگهی «بنگاه املاک و اجاره‌ی ستاره» در اول مرداد ۱۳۱۷ در روزنامه‌ی اطلاعات نشانگر آن است که در آن ایام معاملات املاک

نیز که پیش از آن به طور مستقیم میان خریدار و فروشنده انجام می‌شد، متحول گردیده است. توسعه‌ی شهر و تغییر شکل زندگی و برهم خوردن زندگی دسته‌جمعی را از عوامل مهم این تحول می‌توان دانست.

آگهی ۲ تیر ۱۳۱۷ روزنامه‌ی اطلاعات در مورد «کلاس مکانیکی مهندس دخواستکی» نشانگر یک غفلت بزرگ است. واردات بی‌رویه‌ی انواع اتومبیل‌ها و غفلت از برنامه‌ریزی برای خدمات پس از فروش، کشور را با کمبود راننده و مکانیک و وسایل یدکی مواجه کرد و چون در این رشته نیرویی تربیت نشده بود، به ناچار در این کار نیز از خارجی‌ها استفاده گردید؛ در حالی که می‌توانستند جوانان با استعداد ایرانی را برای چنین خدماتی تعلیم دهند و روانه‌ی بازار کار کنند.

آگهی ۲ مرداد ۱۳۱۷ در روزنامه‌ی اطلاعات پیرامون اجاره‌دادن یک عمارت هفت اتاقه با برق و حمام از آغاز تحول در بهداشت مردم خبر می‌دهد. اما هنوز راه درازی در پیش داریم، زیرا حمام‌های عمومی به دلیل نبودن حمام سرخانه تا چند دهه‌ی دیگر تنها وسیله‌ی استحمام مردم بودند.

آگهی «شرکت سهامی ایران تور» در شماره‌ی ۹ مهر ۱۳۱۷ روزنامه‌ی اطلاعات در مورد سرویس اتوبوس‌رانی تهران - پاریس، تهران - برلین، تهران - لندن، تهران - لنینگراد، تهران - استانبول، تهران - استکهلم، تهران - مسکو، تهران - منچوری، تهران - توکیو، تهران - پراگ، تهران - ژاپن، تهران - وین و تهران - بخارست نشانه‌ی بازشدن پای مردم عادی به دیار فرنگ است که پیش از آن، چنین سفرهایی برای شاهزادگان، دولتمردان و تجار بزرگ و مأموران سیاسی وزارت امور خارجه ممکن و میسر بود. ناگفته نماند که در همان تاریخ برای سفر از هر یک از شهرستان‌ها به تهران اجازه‌ی مخصوص از شهربانی لازم بود و هیچ کس نمی‌توانست بدون ورقه‌ی عبور مسافرت کند!

آگهی ۲۸ مهر ۱۳۱۷ روزنامه‌ی اطلاعات با عنوان «یک خانم خوش خط لازم است»، نشانگر آن است که در بخش خصوصی ایران ماشین تحریر هنوز جای خود را باز نکرده بود.

آگهی روزنامه‌ی اطلاعات در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۱۷ در مورد راکت تنیس، بیانگر سابقه‌ی این ورزش در ایران است. البته این بازی نزد اشراف شناخته‌شده بود، ولی جنبه‌ی عمومیت یافتن آن به دهه‌ی دوم ۱۳۰۰ ش. برمی‌گردد.

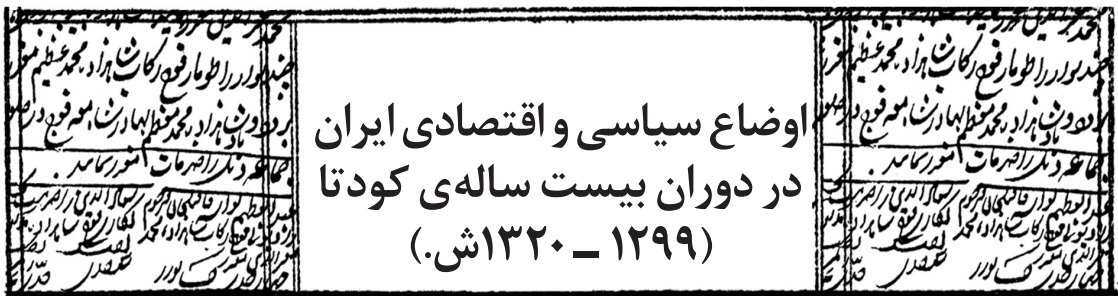
در آگهی «صابون عطری دل» که روز ۶ اسفند ۱۳۱۷ در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ شده، درون حرف «ل» نوشته‌ای با حروف لاتین وجود دارد که VITO خوانده می‌شود. احتمال دارد که این نشانه‌ی پیدایش آژانس‌های تبلیغاتی باشد و اگر چنین حدسی درست باشد، دست‌یابی به مسئله‌ی مهمی تلقی می‌گردد.

آگهی شرکت نفت انگلیس و ایران در شماره‌ی روز ۱۰ اسفند ۱۳۱۷ نشانه‌ی تحول مهمی در گرافیک آگهی‌هاست که بی‌تردید تحت تأثیر آگهی‌های مطبوعات خارجی پدید آمده است، زیرا نه تنها در آن تاریخ، بلکه دو دهه‌ی پس از آن نیز صاحبان کالا و آگهی‌دهندگان، پیام‌های کوتاه در فضایی باز و سفید را اسراف و هدر دادن پول می‌انگاشتند و از تأثیر روانی آن بی‌خبر بودند.

آگهی تجارخانه‌ی انتخاب که تغییر نام خود را از مونوپل به انتخاب اعلام می‌کند، نشانه‌ی تصمیم دولت در جهت پرهیز از به‌کاربردن اسامی خارجی است و چنین به نظر می‌رسد که با گذشت ۷۳ سال هنوز در اجرای این امر، آن چنان که باید، توفیق حاصل نگردیده است.

آگهی «دکتر آقانی» در تاریخ ۶ فروردین ۱۳۱۸ در مورد داروهای لاغری، مبین تحول تازه‌ای در طرز تفکر خانواده‌های ایرانی است. حتی پس از سقوط قاجاریه در دوران حکومت کودتا، زنان چاق، بیشتر مورد پسند بودند و دختران لاغر، شانس کمتری برای ازدواج داشتند. اما لاغری که بر مبنای حفظ سلامت، در جهان غرب متداول شده بود، تا دهه‌ی ۱۳۳۰ نیز در ایران جا نیفتاده بود. در آن سال‌ها با ظهور یک مانکن لاغر فرانسوی به نام «توتیگی» تب لاغرشدن بالا گرفت و پس از آن، چاق بودن هرگز، مد نشد. این مسئله در مورد مردان نیز که در دهه‌های قبل به شکم‌های بزرگ خود می‌نازیدند، اتفاق افتاد و بزرگی شکم که نوعی تشخیص به شمار می‌آمد، رفته‌رفته به دست فراموشی سپرده شد. آگاهی بهداشتی عموم مردم در این تغییر فرهنگ، نقش مؤثری داشت.

در آگهی «جوراب قدس شاهین» که در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۱۸ در روزنامه‌ی اطلاعات منتشر شد، دو بیت شعر به چشم می‌خورد که مصرع دوم از بیت دوم به کلی خارج از وزن است و این نشان می‌دهد که سروده‌ی خود آگهی‌دهنده است، زیرا در گذشته کسانی که می‌توانستند در چنین زمینه‌هایی شعری بسرایند، بسیار بودند، ولی صاحب کالا از قرار معلوم به جای مراجعه به یک شاعر، خود به طبع‌آزمایی پرداخته است. دیگر این که ظاهراً برای روزنامه‌ی معتبری مانند اطلاعات نیز چاپ یک شعر نادرست اشکال نداشته و همین مسئله نشان می‌دهد که مقوله‌ی آگهی‌چندان مورد توجه سردبیر نبوده است.



در سال ۱۳۱۷، هجده سال از کودتای قزاقان می‌گذشت و در این مدت، حکومت کودتا با سرکوب عشایر و مخالفان سیاسی خود، در فضایی آکنده از رعب و وحشت، بر اوضاع مسلط بود. اکثریت مردم به دلیل بی‌اطلاعی از اوضاع سیاسی جهان، از آنچه در اروپا می‌گذشت، بی‌خبر بودند و در حالی که دولت‌های اروپایی برای بزرگ‌ترین جنگ تاریخ جهان، خود را آماده می‌کردند، مردم ایران بی‌خبر از وقایع پشت‌پرده به کار و کسب خویش مشغول بودند. اما در این سال‌ها اوضاع با دوره‌ی اول فرمانروایی شاه جدید فرق کرده بود. در سال‌های نخست حکومت کودتا شخصیت‌های مهمی مانند مستوفی‌الممالک، مخبرالسلطنه هدایت، علی‌اکبر دهخدا و مانند آنان بر سر کار بودند، اما در دهه‌ی دوم فرمانروایی شاه جدید، آن شخصیت‌های بزرگ و کارکشته اکثراً منزوی و خانه‌نشین بودند و نه تنها در اداره‌ی مملکت مشارکتی نداشتند، بلکه شب و روز از ترس شاه، بیم جان داشتند. کسانی هم که ذهن پر سوءظن شاه، وجودشان را برای جانشین خود خطرناک تشخیص داده بود، پیش از آن معدوم شده بودند. دلایل پیش‌آمدن چنین اوضاعی را کاتوزیان به خوبی تشریح می‌کند و می‌نویسد:

«پس از انقلاب مشروطیت، در ظاهر حکومت قانون، پادشاهی مشروطه و حتی دموکراسی یا حکومت ملی استقرار یافته بود. اما واکنش عمومی شبیه الگوی دیرینه‌ی سقوط یک حکومت خودکامه و سپس رفتار خودسرانه‌ی کل جامعه بود. در عمل، آرام آرام قانون و به ویژه آزادی، معنی آزادی از تمام قیود یعنی آزادی از خود قانون را یافت. این همان رویه‌ی سنتی بسیار آشنا بود که ردایی امروزی پوشیده بود. این گونه بود که بسیار شبیه آنچه در گذشته‌ها پس از سرنگونی یک فرمانروای نیرومند رخ می‌داد، همه دلتنگ حکومت مقتدر ناصرالدین‌شاهی شدند.

در واقع بیش از هر عامل دیگری، همین تهدید جنگ داخلی و فروپاشی کشور بود که سرانجام به کودتای ۱۲۹۹ کشید؛ هر چند که این کودتا از کمک‌ها و سازمان‌دهی افسران و دیپلمات‌های انگلیسی مقیم تهران بهره‌مند بود و با پیروزی کودتاگران، روشنفکران از این کودتا استقبال کردند. اگر از این زاویه نگاه کنیم، بنیان‌گذاری دولت کودتا در همان خط پیدایش دولت‌های قدرتمند پس از هرج و مرج ناشی از خیزش‌های مردم قرار می‌گیرد که در سراسر تاریخ کشور تشدید شده است. اگر حکومت کودتا مانند سال‌های نخست، همچنان استوار و در عین حال، قانونی باقی مانده بود، توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی ریشه می‌گرفت و تاریخ سده‌ی بیستم، متفاوت از چیزی می‌شد که در عمل رخ داد. اما به ویژه از اواخر دهه‌ی ۱۳۰۰، اعمال قدرت، هرچه خودکامه‌تر صورت گرفت و نه تنها به بیزاری اربابان زمیندار و بازرگانان، سیاستمداران سنتی و دموکرات‌های جوان منجر شد، بلکه حتی رؤسای دیوانی و نظامی خود دولت نیز از حاکم خودکامه دورتر شدند». (صص ۴۳ تا ۴۶)

«چنان که تاریخ ایران نشان می‌دهد، قدرت سلطنت بر دو پایه‌ی فرماندهی قوای مسلح و تملک بر زمین استوار بوده است. تا زمانی که قوای مسلح و زمین‌های زراعتی تحت اختیار و نظارت سلطان بودند، سلطنت نیز استقرار داشت و زمانی که یکی از این دو عامل تضعیف می‌شد، قدرت سلسله‌ی سلطنتی نیز کاهش می‌یافت. آغامحمدخان قاجار، نخست، با نیروی نظامی به قدرت رسید، اما بلافاصله پس از رسیدن به سلطنت، به توسعه‌ی قدرت و تحکیم آن پرداخت و بدین منظور زمین‌های وسیعی را به عنوان خالصه و یا به عنوان زمین‌های سلطنتی تصرف کرد. در مورد رابطه‌ی زمینداری با سلطنت می‌توان به چند عامل اشاره کرد:

- ۱- دهقانانی که روی زمین‌های سلطنتی کار می‌کردند، رعیت مستقیم شاه به شمار می‌رفتند.
- ۲- عواید کار دهقانان به طور مستقیم به شخص شاه تعلق داشت و او در مصرف آن آزاد بود.
- ۳- شاه با بخشیدن عواید زمین به کسانی که در خدمتش بودند، می‌توانست جانبداران مطمئن خود را راضی نگه دارد.»

(رواسانی، صص ۱۶۵ و ۱۶۶)

رواسانی پیرامون ثروت رضاخان می‌نویسد: «رضا پهلوی که از خانواده‌ی فقیری بود و به هنگام کودتای سال ۱۲۹۹ ثروتی نداشت، توانست در فاصله‌ی زمانی ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰، یعنی در مدت بیست سال، ثروت کلانی جمع‌آوری کند. در سال ۱۳۲۰ پس از اخراج رضاشاه از ایران، یکی از وکلای مجلس شورای ملی ایران به نام مؤید احمدی در جلسه‌ی مجلس اعلام کرد که رضاشاه صاحب

۴۴ هزار مستغل و ۷۰ میلیون ریال پول نقد در بانک ملی ایران می‌باشد. درآمد سالیانه‌ی رضاشاه هر ساله به ۷۰۰ میلیون تومان می‌رسید که از این مبلغ هر ساله ۶۰ میلیون تومان (تقریباً برابر ۲۵ میلیون دلار آمریکایی در آن زمان) به خارج منتقل می‌شد. ثروت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ احتمالاً به ۳۶۰ میلیون دلار و یا ۶۰۰ میلیون مارک می‌رسید. در ۱۳۲۰ در مجلس شورای ملی گفته شد که رضاشاه خود از سهامداران شرکت نفت جنوب ایران بود. وی سالی ۱۲۰۰۰ پوند استرلینگ از شرکت نفت جنوب بابت حق عبور لوله‌های نفت از اراضی تحت تصرف خود دریافت می‌کرد. این مبلغ را قبلاً شرکت نفت به سران ایل بختیاری می‌پرداخت، اما پس از آن که دولت مرکزی قدرت گرفت و ارتش مرکزی سامان یافت، دولت انگلستان قبول کرد که این پول در اختیار رضاشاه قرار گیرد. کل ثروت رضاشاه - چنان که خود در موقع خروج از ایران اعتراف کرد - مبلغی بود قریب بر ۷ میلیارد تومان (نزدیک به ۳ میلیارد دلار آمریکایی در آن زمان). تعداد دهاتی که رضاشاه در مدت سلطنت تصاحب کرد، بالغ بر ۲۱۶۷ پارچه می‌شد:

استان	تعداد دهات	تعداد خانواده
استان فارس	۱۹	۲۰۰
استان کرمان	۱۹۱	۴۲۵۰
استان آذربایجان غربی	۱۱۵	۶۳۶۵
استان تهران	۴۲۸	۴۴۲۴
استان گیلان و مازندران	۱۲۴۱	۳۲۸۷۸
جمع کل	۱۹۹۴	۴۸۱۱۷

اگر تعداد هر فامیل را به طور متوسط ۵ نفر به حساب آوریم، تعداد کسانی که در دهات سلطنتی ایران کار می‌کردند و نتیجه‌ی زحماتشان به جیب قبله‌ی عالم می‌رفت، به ۲۵۴۵۸۵ نفر می‌رسید. رضاشاه تمام این دهات را به زور به تصرف درآورد. این دهات از جمله‌ی مرغوب‌ترین زمین‌های زراعتی محسوب می‌شدند. به این دهات باید جنگل‌ها، شکارگاه‌ها و مراتع فراوان و زمین‌هایی را که فرزندان و افراد خانواده و نزدیکان شاه تصرف کرده بودند نیز اضافه کرد.

این که چگونه او توانست در عرض مدت کوتاهی زمین‌های فراوانی را تصاحب کند، در کتابی به نام اسرار املاک شاهنشاهی که در سال ۱۳۲۴ به قلم لطفعلی بریمانی منتشر شد، ذکر شده است. گرچه در این کتاب نویسنده کوشش کرده است رضاشاه را تا حدی تبرئه کند، اما با توجه به وقایعی که ذکر می‌شوند، می‌توان به خوبی به روش‌هایی که برای غارت مردم به کار می‌رفت، پی برد. آنچه در دوره‌ی سلطنت رضاشاه با عنوان مبارزه با خوانین و زمینداران بزرگ انجام گرفت، کوششی بود برای تحکیم قدرت سلطنت استعماری و ایجاد پایگاه اجتماعی وسیع برای سلطنت پهلوی. رضاشاه، خود، زمینداری بزرگ شد و به هیچ وجه در سیستم زمینداری ایران تغییرات اساسی داده نشد، مگر آن که تعداد زیادی از زمین‌ها که در دست اشخاص مختلف بودند، به تصرف شخص شاه درآمدند. وضع و روابط استثماری دهاقین با مالکین نه فقط بهبود نیافت، بلکه بدتر نیز شد. در شمال ایران عده‌ی زیادی از مردم محل و صاحبان مشاغل و حرفه‌های مختلف و دهقانان مجبور بودند بدون اجر و مزد برای دربار سلطنتی و شخص شاه بیگاری کنند. در سال ۱۳۰۸ اداره‌ی ثبت اسناد و املاک کشور به وجود آمد تا تمام زمین‌های کشاورزی و مستغلات موجود در ایران را ثبت و برای آن مدارک قانونی صادر کند. بر اساس این قانون هر قطعه‌ی زمینی که مدت سی سال در تصرف شخصی بود، به عنوان ملک به آن شخص واگذار می‌شد. بدین ترتیب بر اثر تصویب و اجرای این قانون، مالکان زمین‌های بزرگ زراعتی برای عده‌ی محدودی که

آن را به زور و به عنف در طی سالیان دراز تصرف کرده بودند، تثبیت و به آن، به اصطلاح، جنبه‌ی قانونی داده شد و دولت به عنوان مجری قانون، حافظ زمینداران بزرگ گردید. برای مالکیت زمین به هیچ وجه، حدّ اکثری تعیین نشد و به همین جهت زمینداران بزرگ می‌توانستند به کار خود ادامه دهند.

دوره‌ی رضاشاه، دوره‌ی تثبیت زمینداری بزرگ در ایران است. قانون ثبت املاک و اسناد و قانون ثبت املاک و متمم قانونی ثبت اسناد، در دی‌ماه ۱۳۰۷ تهیه و جمع این قوانین در مهرماه ۱۳۰۸ انجام شد؛ قانونی درباره‌ی ممیزی این املاک و املاک اربابی در آذرماه ۱۳۱۳، در آذرماه ۱۳۱۴ قانون کدخدایی، در آبان ۱۳۱۶ قانون عمران و در ۲۵ شهریور ۱۳۱۸ طبق فصل پنجم از باب سوم قانون مدنی اصل مزارعه تثبیت شدند و در همان تاریخ قانون مربوط به تعیین سهم مالک و زارع نسبت به محصول زمین‌های زراعی نیز تثبیت گردید. اراضی خالصه نیز به تدریج در اختیار زمینداران بزرگ قرار گرفت.

در مهرماه ۱۳۱۰ قانون مستغلات انتقالی و خالصه، در دی‌ماه ۱۳۱۲ قانون فروش خالصات، در فروردین ۱۳۰۴ و ۱۳۱۴ قانون مربوط به خالصات خوزستان و در آبان ۱۳۱۶ قانون فروش خالصات اطراف تهران به تصویب رسید و به مرحله‌ی اجرا گذاشته شد. در نتیجه‌ی اجرای این قوانین، تمرکز شدید زمین در دست خاندان پهلوی و زمینداران بزرگ انجام گرفت (۲۶ هزار ده به ۳۷ خانواده تعلق داشت).

در تجدید سازمان ارتش، پس از کودتای رضاخان، رسم شرکت افراد ایلات و عشایر در قشون از میان رفت، بریگاد قزاق منحل و طرح نظام اجباری اجرا شد. کشور به مناطق متعدد نظامی تقسیم و در هر منطقه واحدهای ارتش متمرکز شدند و سربازخانه‌ها به وجود آمدند. قدرت سیاسی و اجرایی در هر منطقه در دست فرماندهی کل قوای مسلح هر منطقه که به طور مستقیم از طرف دربار عزل و نصب می‌شدند، قرار گرفت. قدرت واقعی در شهرها و ایالات و ولایات کشور در همه‌ی شئون اداری و اجتماعی در دست فرماندهی نظامی منطقه قرار داشت که به نمایندگی و از طرف دربار عمل می‌کرد. فرماندهان ارتش به تدریج به ثروتمندان و مالکان بزرگ زمین و مستغلات شهری تبدیل شدند و در فرماندهان ارتش، قشر افسران بزرگ زمیندار و مالک به وجود آمد. تشکیل این قشر افسران نشان می‌دهد که چگونه گروهی به علت داشتن روابط با استعمار سرمایه‌داری و شرکت در حاکمیت، قدرت اقتصادی و سیاسی را به خود اختصاص دادند و به علت وضعی خاص در دستگاه دولتی سرمایه‌دار، زمیندار و ثروتمند شدند.

ارتش که به کمک مشاوران انگلیسی و قشر افسران ارشد پیوسته به استعمار ایجاد شد، ستون اصلی نگهداری سلطنت پهلوی در ایران به شمار می‌آمد. برای آن که ارتش بتواند به طور مستقیم در سرکوبی اعتراضات مردم شرکت و آرامش و ثبات استعماری را تثبیت کند، در سال ۱۳۱۸ قانونی به تصویب رسید که طی آن محاکم اختصاصی در ارتش به وجود آمدند. با استفاده از این محاکم، فرماندهی ارتش برای توقیف اشخاصی که از نظر سیاسی مضر و اخلاک‌گر تشخیص داده می‌شدند، احتیاج به اعلام حکومت نظامی و یا وضع فوق‌العاده نداشت، بلکه در حالت عادی نیز می‌توانست فعالیت‌های خود را بدون دخالت دادگستری و یا هر سازمان دیگر ادامه دهد. محاکم اختصاصی تحت نظر فرماندهی کل قوا قرار داشتند. شخص شاه، رئیس کل این محاکم محسوب می‌شد. طبق بند چهار از فصل اول این قانون، دادستان نظامی که از طرف شاه انتخاب می‌شد، در اختیارات قضایی خود نماینده‌ی فرماندهی کل قوا بود و همچنین طبق ماده‌ی ۲۱ این قانون، اعضای محاکم اختصاصی طبق فرمان فرماندهی کل قوا (شاه) تعیین می‌شدند.

طبق ماده‌ی ۲۱۶، تصمیمات این محاکم نه به نام مردم، بلکه به نام اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی اعلام می‌شدند. طبق موارد ۳۱۶، ۳۱۷ و ۳۱۹ این قانون، مجازات کسانی که علیه سلطنت قیام یا فعالیت می‌کردند، مرگ بود. محاکم اختصاصی در حقیقت رد و نقض قانون اساسی مشروطه (تفکیک قوا) بودند. به کمک ارتش و دادگاه‌های ارتش، طبقه‌ی حاکم پیوسته به استعمار ایران، در رأس آن قشر نظامی، تمام کشور را تحت نظارت داشت. دادگستری مؤسسه‌ای بود بی‌آزار و بی‌اهمیت. شاه به عنوان رئیس قوه‌ی اجراییه و فرماندهی کل قوا از طریق محاکم اختصاصی به قوی‌ترین و بالاترین قاضی که در عین حال مجری آرای خود نیز بود، تبدیل شد. بدین ترتیب، تمرکز قدرت در ایران به حد اعلای رسید. در چنین سیستمی که بر ایران تحمیل شده بود که با از میان رفتن آزادی

مطبوعات، آزادی تشکیل احزاب، آزادی تشکیل اجتماعات و هر نوع آزادی دیگری همراه بود، سیستم استثماری قوی‌تر از سابق باقی ماند و استعمار انگلستان با همکاری طبقه‌ی پیوسته به استعمار، قدرت مطلق را در ایران در اختیار گرفت. با ایجاد دیکتاتوری نظامی، انگلستان توانست به هدف خود که سرکوب کردن نهضت‌های مردمی در ایران و جلوگیری از نشر افکار آزادیخواهان و محرومان در اعتراض به سیستم استثماری - استثماری موجود بود، برسد. بخش بزرگی از پرداخت‌های دولتی را مخارج سازمان‌های نظامی و پلیسی تشکیل می‌دادند. دولت برای تقویت این سازمان‌ها مخارج گزافی می‌پرداخت.

طبق گزارش دیگر (۱۳۰۸) «بودجه‌ی قشون و وزارت جنگ که در سال ۱۲۹۳، یعنی پانزده سال قبل، ۱۶۴ ۲۳۴۵۰ تومان بوده، امروزه ده برابر شده است: در آن تاریخ نسبت مخارج وزارت جنگ به تمام بودجه (۶-۶۵۷۰۶۰۳۰۶۰۳۰ تومان) ۱۶ درصد بوده است؛ ولی امروزه بیش از چهل درصد شده است.»

بودجه‌ی وزارت جنگ از ۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۰۷ به ۴۰۳ میلیون ریال در سال ۱۳۱۷ افزایش یافت. بودجه‌ی وزارت بهداری در سال ۱۳۰۷ سه میلیون ریال و در سال ۱۳۱۷ سی و هفت میلیون ریال بود و بودجه‌ی تعلیم و تربیت در سال ۱۳۰۷ هجده میلیون ریال و در سال ۱۳۱۷ هشتاد و یک میلیون ریال بود.

از اوایل دخول و شرکت رضاخان در امور دولتی، یعنی از سال ۱۲۹۹ ش. / ۱۹۲۱ م. تا کنون صندوق دولت فقیر ایران بیش از یک میلیارد قران برای احتیاجات نظامی پرداخته است. از این جا معلوم می‌شود که بیش از ۴۰ درصد بودجه‌ی سالانه‌ی مملکت فقیری مثل ایران برای تهیه‌ی مقدمات جنگ مصرف می‌گردد.

در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۲۰ دولت ایران ۳۱ میلیون پوند استرلینگ از کمپانی نفت ایران و انگلیس دریافت کرد که از این مبلغ ۳/۱۶ میلیون پوند استرلینگ برای خرید اسلحه در بانک لندن تمرکز یافت». (همان، صص ۱۶۷ تا ۱۷۲)

آنچه در صفحات پیش از نظر شما گذشت، نظرات یک محقق ایرانی است که با ارقام و اسناد معتقد است حکومت کودتا در مدت بیست سال تسلط خود، بیشترین رقم بودجه‌ی مملکتی را صرف ارتشی کرده است که در زمان واقعه‌ی اشغال ایران ناکارآمدی خود را نشان داد. گروهی نیز معتقدند که اگر ارتش نبود، ایران دچار تجزیه می‌شد و شرط پیشرفت کارهای عمرانی، اقتدار و تسلط ارتش بود. به هر تقدیر اگر استدلال اخیر را نیز بپذیریم، تعدیبات حکومت کودتا را نیز نادیده بگیریم، در سال‌های پایانی سلطنت رضاخان اوضاع اقتصادی ایران آن چنان نبود که موجبات رشد تبلیغات تجاری را فراهم سازد. همچنین عدم افزایش چشمگیر تعرفه‌ی آگهی‌های تبلیغاتی در این بیست سال نیز گواه بر آن است که تا جا افتادن صنعت تبلیغات در ایران هنوز راه درازی در پیش بوده است.

جدول مقایسه‌ای تعرفه‌ی آگهی‌های تبلیغاتی روزنامه‌ی اطلاعات در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۹

تعرفه‌ی آگهی روزنامه‌ی اطلاعات در سال ۱۳۰۷	تعرفه‌ی آگهی روزنامه‌ی اطلاعات در سال ۱۳۱۹
صفحه‌ی ۱، سطری ۴ قران	صفحه‌ی ۵، سطری ۴ ریال
صفحه‌ی ۲، سطری ۲ قران	صفحه‌ی ۶، سطری ۲ ریال
صفحه‌ی ۳، سطری ۲ قران	صفحه‌ی ۷، سطری ۳ ریال
صفحه‌ی ۴، سطری ۱ قران	صفحه‌ی ۸، سطری ۴ ریال

تعرفه‌ی آگهی اطلاعات در اردیبهشت ۱۳۱۹


صاحب امتیاز و مدیرمسئول: عباس مسعودی
 عنوان تلگرافی: تهران اطلاعات
 جای اداره: خیابان خیام
 تلفن اداره: ۶۶۷۷-۴۶۲۴-۵۵۷۹
 منزل مدیر ۲۷۳۴

بهای اشتراك

تهران	۱۲ ماهه	۶ ماهه	۳ ماهه
شهرستانها	۱۵۰	۸۰	۴۵
خارج	۲۴۰	۱۲۵	۶۵

بهای آگهی‌ها

صفحه ۶ - سطری ۲ ریال - صفحه ۷ سطری ۳ ریال
 صفحه ۵ و ۸ سطری ۴ ریال

<p>تک شماره ۶ شاهی</p> <p>قیمت اشتراك: یکساله ششماهه سه ماهه تهران و ولایات: ۱۰۰ قران ۵۰ قران ۲۵ قران خارجه: ۱۲۰ ۶۰ ۳۰</p> <p>قیمت اعلانات</p> <p>صفحه اول سطری ۴ قران دوم و سوم ۲ قران چهارم ۱ قران</p>	<p>عصر ۳ شنبه</p> <p>۲۹ خرداد ۱۳۰۷ - ۱۸ محرم ۱۳۴۷ - ۱۹ ژوئن ۱۹۲۸</p> <p>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ع. مسعودی محل اداره: لاله زار عنوان تلگرافی: اطلاعات شماره تلفن ۴۴۴</p>	<p>(سال سوم - شماره ۵۱۷)</p>  <p>مجله روزنامه یومیه عصر</p>
--	---	--

با توجه به عدم رشد آگهی‌های تجاری طی سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۹ می‌توانید مشکلات آن روز روزنامه‌های کشور را دریابید. در جدول بالا ملاحظه نمودید که آگهی‌های روزنامه‌ی اطلاعات که مهم‌ترین نشریه‌ی کشور بود، در سال ۱۳۰۷ نسبت به صفحات مختلف با سطری یک تا چهار قران آغاز شد و پس از دوازده سال همچنان در حد سطری دو ریال تا چهار ریال باقی ماند. برای آگاهی از وضع مالی نامساعد روزنامه‌های آن روز، توجه شما را به سرمقاله‌ی شماره‌ی ۲۹ خرداد ۱۳۰۷ جلب می‌کنم. روزنامه‌ی اطلاعات در سومین سالگرد تأسیس خود (۲۹ خرداد ۱۳۰۷) در سرمقاله‌ی با عنوان «سومین نامه‌ی ما» می‌نویسد:

«امروز سومین سال روزنامه را به توفیقات خدا و با اتکاء به عزم و اراده‌ی کارکنانش شروع می‌کنیم. بنا بر این شرح مختصری از وضع داخلی روزنامه و جریانات مهمه‌ی مملکت در یک سال گذشته، ختم می‌نماییم. جریده‌ی اطلاعات با عدم وابستگی به هیچ فرد یا مؤسسه و با اتکاء به نفس و اعتماد به احساسات پاک ملت نجیب ایران با استقامت خاصی، خوانندگان محترم را هیچ روز در انتظار نگذاشت. عدم توجه به معارف و مطبوعات و اوضاع اقتصادی مملکت، دوام یک روزنامه‌ی قائم بالذات و متکی به خود را تهدید می‌کند. روزنامه‌ی اطلاعات با آن که با این موانع دست به گریبان بود، معذالک تکیه بر احساسات ملت و عزم ثابت خود نموده و بقا و حیات خویش را حفظ نموده است. با این حال از آقایان مشترکین ولایات بیش از این بذل مساعدت به این مؤسسه‌ی جوان را انتظار داشته و بزرگ‌ترین تمنای ما همان پرداخت بهای ناقابل‌ی است که در مقابل مخارج بی‌حد طبع روزنامه تعیین گردیده است. چه بسا مشترکین در ولایات سراغ داریم که دو سال تمام از مطالبه‌ی مودبانه و نظم روزنامه‌ی ما استفاده نموده یا به علت نسیان و یا به علت عدم توجه و مسامحه‌ی کامل از پرداخت جزئی وجه اشتراک، خودداری کرده، در عین حال خود را از صف مشترکین نیز خارج نساخته [۱]. در صورتی که پرداخت این وجه با موانعی که در بقای یک روزنامه موجود است، علاوه بر ادای وظیفه‌ی حقه، تشویقی است از کارکنان روزنامه که امیدواریم مشترکین محترم ولایات در سال جدید بی‌لطفی‌های گذشته را جبران نمایند.»

با تمامی این احوال، بیلان بانک ملی ایران نشان‌دهنده‌ی رونق نسبی بود و با مقایسه‌ی سال‌های پس از جنگ جهانی اول امیدوارکننده به نظر می‌رسید. در این جا توجه شما را به گزارش مهم‌ترین بانک آن روز کشور که مربوط به سال ۱۳۱۸ است و در روزنامه‌ی اطلاعات مورخ ۷ شهریور ۱۳۱۹ به چاپ رسیده است، جلب می‌کنیم.

ترازنامه سال ۱۳۱۸ بانک ملی ایران

گزارش بمجمع همگانی دارندگان سهام بمناسبت ترازنامه سال ۱۳۱۸

حساب سود و زیان در پایان اسفند ماه ۱۳۱۸

ریال		ریال		ریال	
۱۰۶۸۳۰۹۹۵	۴۵	۳۴۱۱۱۳۰۹	—	۳۸۹۵۵۱۴	۷۰
۲۳۶۹۲۸۴۲	۳۵			۳۸۱۹۴۵۵	۶۵
۱۳۰۵۲۸۵۳۸	۸۰	۹۶۴۱۷۱۹	۸۰	۸۸۷۰۲۲۰۹	۴۵
		<u>۱۳۰۵۲۸۵۳۸</u>	<u>۸۰</u>		

پیشنهاد تقسیم سود			سود قابل تقسیم		
بهره و کار مزد و سود آرزو			ماليات بر درآمد		
سود سهام و منفرد			مانده قابل تقسیم		
			سود و زیان		
۷۲۲۶۶۰۳۷	۵۵	۷۲۲۶۶۰۳	۷۵	۱۷۸۸۵۲۲۳	۳۰
۷۲۲۶۶۰۳۷	۵۵	۹۴۶۶۳۱	—	۷۲۲۶۶۰۳۷	۵۵
		۶۳۰۰۰۰۰۰	—	<u>۹۰۱۰۱۲۶۰</u>	<u>۸۵</u>
		۱۰۹۲۸۰۲	۸۰		
		<u>۷۲۲۶۶۰۳۷</u>	<u>۵۵</u>		

ترازنامه سال ۱۳۱۸ - ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۸

ریال		ریال		ریال		ریال	
سرمایه پرداخت شده :				موجودی فلزهای گرانبها :			
سرمایه تهد شده				زر در ایران			
سرمایه پرداخت نشده				سیم در ایران			
اندوخته بموجب اساسنامه				سیم در خارجه			
اندوخته ویژه				اسکناسهای موجود در صندوق بانک			
اسکناسهای در جریان				موجودیهای دیداری :			
سپرده های ثابت :				در ایران			
ادارات دولتی				در خارجه			
اشخاص				سندها و پراستها			
صندوق پس انداز ملی				بدهکاران :			
پستکاران :				ادوات دولتی			
ادارات دولتی				شرکتهای دولتی			
بانکها				مناطه کاران			
سایر پستکاران				سایر بدهکاران			
ضمانت ها				برگهای دولتی و سهام :			
سود سهام				بريال			
نقل بصال بعد				بارز			
				بدهی در ريبها بابت ضمانتها			
				غير منقول			
				منتهك شده			
				اثاثيه			
				منتهك شده			
جمع		جمع		جمع		جمع	
۳۳۰۷۸۶۹۳۰۰	۰۵	۳۳۰۷۸۶۹۳۰۰	۰۵	۳۳۰۷۸۶۹۳۰۰	۰۵	۳۳۰۷۸۶۹۳۰۰	۰۵

هیئت نظار بانک ملی ایران موجودی صندوق و اسناد و بروات بانکر را در پایان سال ۱۳۱۸ مورد بازرسی قرار داده و ترازنامه و حساب سود و زیان سال نام برده را رسیدگی نموده و گواهی میدهد که موجودیها و ارقام مندرج در ترازنامه و حساب سود و زیان با ارقام مربوط در دفاتر بانک مطابقت میکند.

امضای هیئت نظار